



Adapting the Fundamental Principles of Justice Implementation Related to the Rights of Children and a Dolescents in in Pre-Trial and Criminal Proceedings in Iran's Legal System With International Documents

Zahra Khodadadi¹, Hassan Ali Moazenzadegan^{2*}, Anahita Seifi³

1. Department of Criminal Law, Ard.C., Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

2. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.

3. Department of International Law, Allameh Tabatabaei University, Department of Women's Studies, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:187-204

Article history:

Received:28 Jul 2024

Edition:07 Sep 2024

Accepted:31 Jan 2025

Published online: 23 Dec 2025

Keywords:

Fundamental Principles, Justice, Child and Adolescent Rights, Criminal Proceedings, Iranian Law, International Documents.

Corresponding Author:

Hassan Ali Moazenzadegan

Address:

Iran, Tehran, Allameh Tabatabai University, Faculty of Law and Political Sciences, Department of Criminal Law and Criminology.

Orchid Code:

0000-0001-6173-0996

Tel:

02148391234

Email:

moazenzadegan@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aims: The aim of this article is to compare the fundamental principles of justice implementation related to the rights of children and adolescents in the process of criminal proceedings in Iran's legal system with international documents.

Materials and methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: The fundamental principles of the implementation of justice related to the rights of children and adolescents in the preliminary investigation process include the principle of prohibition of arbitrary arrest of para-judicial institutions and in the criminal proceedings stage including fair light of The establishment of a special court for children, the principle of participation in criminal proceedings, the principle of participation in criminal proceedings and the principle of individualizing punishments and filing personality files have been recognized both in Iranian criminal law and in international documents including the standard rules of juvenile proceedings approved in 1985 known as the Beijing Rules and the Convention on the Rights of the Child approved in 1989.

Result: Although in Iranian criminal law, like international documents, under the influence of fair proceedings, institutions such as the police, special prosecutor's office, specialized court for children and ju and juveniles and the correctional center have been formed.

Cite this article as:

Khodadadi, Z; Moazenzadegan, H-A; Seifi, A. *Adapting the Fundamental Principles of Justice Implementation Related to the Rights of Children and a Dolescents in in Pre-Trial and Criminal Proceedings in Iran's Legal System With International Documents*. Economic Jurisprudence Studies. 2025.



دوره هفتم، شماره ۵، سال ۱۴۰۴

تطبیق اصول بنیادین اجرای عدالت مربوط به حقوق کودک و نوجوان در پیش دادرسی و دادرسی کیفری در نظام حقوقی ایران با اسناد بین‌المللی

زهرآ خدادادی^۱، حسنعلی موذن زادگان^{۲*}، آناهیتا سیفی^۳

۱. گروه حقوق کیفری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۲. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۳. گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، گروه مطالعات زنان، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: دادرسی اطفال بزهکار از موضوعات مهم و ضروری است. بر همین اساس هدف مقاله حاضر، تطبیق اصول بنیادین اجرای عدالت مربوط به حقوق کودک و نوجوان در فرایند دادرسی کیفری در نظام حقوقی ایران با اسناد بین‌المللی است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: اصول بنیادین اجرای عدالت مربوط به حقوق کودک و نوجوان در فرایند تحقیقات مقدماتی شامل اصل منع بازداشت خودسرانه، اصل محرمانه و غیر علنی بودن مطلق تحقیقات مقدماتی و اصل دادرسی عادلانه در پرتو تاسیس نهادهای پیرا قضایی و در مرحله دادرسی کیفری شامل دادرسی عادلانه در پرتو تاسیس دادگاه ویژه اطفال، اصل مشارکت در دادرسی کیفری، اصل مشارکت در دادرسی کیفری و اصل فردی کردن مجازات‌ها و تشکیل پرونده شخصیت هم در حقوق کیفری ایران و هم در اسناد بین‌المللی از جمله قواعد استاندارد دادرسی نوجوانان مصوب ۱۹۸۵ مشهور به قواعد پکن و پیمان‌نامه حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ م به رسمیت شناخته شده است.

نتیجه: هر چند در حقوق کیفری ایران نیز مانند اسناد بین‌المللی، تحت تأثیر دادرسی عادلانه نهادهایی چون پلیس، ویژه دادرسی، تخصصی دادگاه کودکان و نوجوانان، دادگاه کیفری یک ویژه، نوجوانان شعبه تجدیدنظر ویژه کودکان و نوجوانان و کانون اصلاح و تربیت تشکیل شده، با این وجود، اقدامات مطلوب قانون‌گذار، در مواردی چون پلیس ویژه کودکان و مددکاری، خلاءها و نارسائی‌های وجود دارد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۸۷-۲۰۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۷

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲

واژگان کلیدی:

اصول بنیادین، عدالت، حقوق کودک و نوجوان، دادرسی کیفری، حقوق ایران، اسناد بین‌المللی.

نویسنده مسئول:

حسنعلی موذن زادگان

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی.

تلفن:

02148391234

کد ارکید:

0000-0001-6173-0996

پست الکترونیک:

moazenzadegan@gmail.com

۱. مقدمه

حقوق کیفری کودکان و نوجوانان شاخه‌ای فنی تخصصی از رشته حقوق کیفری است که موضوعات آن اختصاص به حقوق کیفری ماهوی و شکلی کودکان و نوجوانان در معرض خطر، بزه دیده، شاهد جرم و متهم به نقض قوانین کیفری دارد. به لحاظ فرض عدم رشد جزایی افراد مذکور تا سن ۱۸ سال تمام خورشیدی، در حقوق کیفری تخصصی مزبور تمرکز به حمایت از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنان بر اساس رعایت اصل تأمین بهترین منافع است. پیدایش حقوق کیفری کودکان و نوجوانان را باید تصویب اسناد حقوق بشر بین‌المللی مولوی و ارشادی سازمان ملل متحد به ویژه دو سند مهم حداقل قواعد استاندارد دادرسی نوجوانان مصوب ۱۹۸۵ مشهور به قواعد پکن و پیمان نامه حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ م دانست. بخش مهمی از حقوق کیفری کودکان و نوجوانان مربوط به نحوه دادرسی ویژه آن دسته از کودکان و نوجوانانی است که بر حسب حقوق موضوعه متهم به نقض قوانین کیفری هستند.

سازمان ملل متحد، در راستای تضمین حقوق اطفال و نوجوانان چهار سند مهم را تصویب کرده که پیمان نامه حقوق کودک، تنها سند الزام‌آور آن می‌باشد یکی از حقوق تضمین‌گر این اسناد حق بر دادرسی پیرا قضایی این افراد است. این حق یادآور اصل منافع عالیه کودک است. اساسی‌ترین راهبردی که در نظام دادرسی به عنوان یک اصل بالینی بنیادین شناخته شده است اصل منافع عالیه اطفال و نوجوانان می‌باشد که افزون بر بند ۱ ماده ۳ پیمان نامه حقوق کودک ۱۹۸۹ در اسناد گوناگون بین‌المللی نظیر بند (ت) ماده ۱۷۱ مقررات پکن ۱۹۸۵، بند ۴ ماده ۱

رهنمودهای ریاض ۱۹۹۰ و ماده ۴ منشور آفریقایی حقوق بشر و رفاه کودک ۱۹۹۰ به صراحت مورد اشاره قرار گرفته است. اما مسئله این است که رویکرد حقوقی ایران نسبت به اصول بنیادین اجرای عدالت مربوط به حقوق کودک و نوجوان در فرایند دادرسی کیفری در مقایسه با اسناد بین‌المللی چگونه است؟ به عبارتی سوال اساسی مقاله این است که اصول بنیادین اجرای عدالت مربوط به حقوق کودک و نوجوان در فرایند دادرسی کیفری در نظام حقوقی ایران چگونه است و در مقایسه با اسناد بین‌المللی چگونه ارزیابی می‌شود؟ فرضیه مقاله نیز عبارت است از اینکه «در حقوق کیفری ایران نیز مانند اسناد بین‌المللی، اصول بنیادین اجرای عدالت مربوط به حقوق کودک و نوجوان در فرایند دادرسی کیفری مورد توجه قرار گرفته است؛ اما در برخی موارد مانند پلیس ویژه کودکان و مددکاری، خلاءها و نارسائی‌های وجود دارد». به منظور بررسی سوال و فرضیه مورد اشاره ابتدا اصول بنیادین اجرای عدالت مربوط به حقوق کودک و نوجوان در فرایند دادرسی کیفری در نظام حقوقی ایران با اسناد بین‌المللی در مرحله تحقیقات مقدماتی و پیش دادرسی و سپس در مرحله دادرسی بحث شده است. لازم به ذکر است که در این مقاله دادرسی به مفهوم عام آن که مد نظر است که شامل مرحله تحقیقات مقدماتی و پیش دادرسی نیز می‌شود.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقي

در اين مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داري رعايت شده است.

۴. يافته‌ها

طبق توصيه اسناد بين‌المللي، كودكان و نوجوانان بايد در فرايند دادرسي به لحاظ شرايط ويژه آسيب پذيري‌شان از امتيازات ويژه حقوق دفاعي از قبيل رعايت اصل تامين بهترين منافع، لزوم تشكيل مرجع قضايي مستقل، داشتن پليس و قاضي ويژه متخصص در حوزه دادرسي كودك و نوجوان، لزوم حضور مشاوران جرم شناس علوم اجتماعي و روانشناسي به هنگام رسيدگي به اتهام، استفاده از پرونده شخصيت برخوردار باشند. در حقوق كيفري ايران نهادهايي چون پليس، ويژه دادرسي، تخصصي دادگاه كودكان و نوجوانان، دادگاه كيفري يك ويژه، نوجوانان شعبه تجديدنظر ويژه كودكان و نوجوانان و كانون اصلاح و تربيت تشكيل شده است كه نمونه‌اي از افتراقي سازي نهادهاي عدالت كيفري است.

۵. بحث

۵-۱. اصول بنيادين اجراء عدالت مربوط به حقوق كودك و نوجوان در مرحله پيش دادرسي

مطابق ماده يك قانون آيين دادرسي كيفري ۱۳۹۲ «آيين دادرسي كيفري مجموعه مقررات و قواعدي است كه براي كشف جرم، تعقيب متهم، تحقيقات مقدماتي، ميانجيجري، صلح ميان طرفين، نحوه رسيدگي صدور رأي، طرق اعتراض به آراء، تعيين وظايف و اختيارات مقامات قضايي و ضابطان دادگستري و رعايت حقوق متهم، بزه ديده و جامعه وضع مي‌شود». در مقدمه نيز اشاره شد كه منظور از دادرسي در مقاله حاضر مفهوم عام‌تر آن است كه مرحله پيش

دادرسي را نيز شامل مي‌شود. بر همين اساس در اين قسمت اصول بنيادين اجراء عدالت مربوط به حقوق كودك و نوجوان در مرحله پيش دادرسي در نظام حقوقي ايران با اسناد بين‌المللي بررسي مي‌شود.

۵-۱-۱. حق منع بازداشت خودسرانه

محروم ساختن خودسرانه يك فرد از آزادي، از طرف بخش ملل متحد براي حقوق بشر ممنوع شده است. ماده ۹ اعلاميه جهاني حقوق بشر سال ۱۹۴۸، حكم مي‌كند كه «كسي نبايد در معرض دستگيري، بازداشت يا تبعيد خودسرانه قرار گيرد». يعني، فارغ از شرايط، احدي را نبايد بدون آنكه بر طبق قانون مرتكب جرمي واقعي شده باشد او را از آزاديش محروم كرد و اينكه دولت نمي‌تواند يك فرد را از آزاديش محروم كند بدون اينكه روند قانوني لازم آن طي شده باشد. همچنين، ميثاق بين‌المللي حقوق مدني و سياسي، محافظت از دستگيري و بازداشت خودسرانه توسط ماده ۹ را مشخص مي‌كند. بر اساس بند اول بخش ب ماده ۴۰ كنوانسيون حقوق كودك: «تا زماني كه گناهكار بودن او بر طبق قانون ثابت نشده است بيگناه فرض شود». بازداشت خودسرانه ممنوع است. اصول ۳۲ و ۳۸ قانون اساسي ايران نيز مهر تايد بر اين ممنوعيت زده و متخلف از اين اصول بنيادين را قابل تعقيب كيفري قلمداد کرده است. قانون مجازات اسلامي نيز در مواد متعددي بطور مشروح به اين موضوع پرداخته است. از جمله آنكه ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامي (تعزيرات) همين قانون بطور كلي درباره ممانعت بهره مندي شهروندان از حقوق اساسي خود اعلام داشته، چنانچه هر يك از مقامات و مامورين دولتي كه برخلاف قانون، آزادي شخصي افراد ملت را سلب

کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد (زارعیان چناری و غلامزاده دهنوی، ۱۳۹۷: ۱۳۱).

این قاعده در خصوص اطفال و نوجوانان نیز مصداق دارد ضمن اینکه اساساً بازداشت اطفال و نوجوانان تحت تاثیر دادرسی افتراقی است. بدین معنا که در جریان تحقیقات مقدماتی، مرجع قضائی، حسب مورد، اطفال و نوجوانان موضوع این قانون را به والدین، اولیا یا سرپرست قانونی یا در صورت فقدان یا عدم دسترسی و یا امتناع از پذیرش آنان، به هر شخص حقیقی یا حقوقی که مصلحت بداند، می‌سپارد. اشخاص مذکور ملتزمند، هرگاه حضور طفل یا نوجوان لازم باشد، او را به مرجع قضائی معرفی نمایند. افراد پانزده تا هجده سال نیز شخصاً ملزم به معرفی خود به دادگاه می‌باشند. بر اساس ماده ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری، یکی از انواع قرار تامین کیفری اطفال و نوجوانان، قرار نگهداری موقت است. همچنین مطابق بند ۱ قسمت پ ماده ۵ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ نیروی انتظامی موظف است: «نسبت به نگهداری جداگانه اطفال از نوجوانان و سایر زندانیان اقدام کند». بر این اساس حتی چنانچه در راستای حمایت از حقوق بزه‌دیده، بازداشت ضروری باشد، اطفال از نوجوانان و از سایر زندانیان جداگانه نگهداری می‌شوند.

۵-۱-۲. اصل محرمانه و غیر علنی بودن

مطلق تحقیقات مقدماتی

منظور از علنی نبودن تحقیقات این است که غیر اصحاب دعوی کیفری شهود، کارشناسان و در مجموع افرادی که قاضی تحقیق حضور آنان را

برای انجام دادن یا تکمیل تحقیقات لازم می‌داند سایر افراد از جمله مطبوعات و رسانه‌های گروهی حق حضور در جلسات بازپرسی را ندارند. «مطابق بند ۷ پیمان حقوق کودک، در کلیه مراحل دادرسی، حریم شخصی طفل کاملاً باید محفوظ بماند. دو بند ماده ۸ از مجموعه حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل (پکن) برای دادرسی ویژه اطفال نیز به ضرورت حفظ حریم شخصی اطفال و نوجوانان در کلیه مراحل دادرسی، به منظور اجتناب از آسیب رساندن به ایشان در نتیجه تبلیغات بی‌مورد یا فرایند برچسب زدن اتهام تأکید گردیده و به اصل ممنوعیت انتشار هویت آنان از هر گونه طریق، اشاره شده است» (رادمهر و همکاران، ۱۴۰۲، ۴۵۷). در حقوق کیفری ایران نیز تحقیقات مقدماتی چه به وسیله‌ی مقام قضایی و چه توسط ضابط قضایی انجام شود باید به صورت سری باشد. این غیرعلنی بودن تحقیقات، مانع از آن نیست که متهم بتواند یک نفر وکیل رسمی دادگستری را همراه خود داشته باشد. ۱۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری بر همین امر دلالت دارد. مطابق ماده ۲۰۶ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تحقیق و بازجویی از شهود و مطلعان قبل از رسیدگی در دادگاه غیر علنی است (حاجی‌پور، ۱۳۹۳). مطابق ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، «ضابطان دادگستری مکلفند در جرائم منجر به سلب حیات، صحنه جرم و محل کشف جسد را با وسایل مناسب محصور کنند و تا حضور بازپرس یا صدور دستور لازم برای معاینه محل، در صورت ضرورت از ورود افراد و خروج آنان از محل جلوگیری کنند». «چنانچه در مواجهه با رفتار کودکان و نوجوانان معارض با قانون، امکان تحقیق و رسیدگی غیر رسمی و خارج از فرآیند دادرسی

اسناد بين‌المللي نيز راه‌يافته و به‌عنوان يك الگوي استاندارد در حال جهاني‌شدن است. يكي از ملزومات تعهد به منافع عاليه كودك و نوجوانان، تعيين كنشگراني پيراقضايي به موازات كارگزاران قضايي در دادرسي است. در پرتو نظام سياست جنايي سازمان ملل متحد در قبال تصميم‌گيري به بزهكاري كودكان و نوجوانان رويكرد ويژه‌اي در اين خصوص اتخاذ شده و از گذر نظام افتراقي سازي دادرسي پيراقضايي پرتو ساماندهي بزهكاري نوجوانان اصولي چند ملاك قرار گرفته است (موزن‌زادگان، ۱۴۰۲، ۱). از جمله اين اصول اصل رعايت منافع عاليه اطفال و نوجوانان است كه در بند ۱ ماده ۳ كنوانسيون حقوق كودك ۱۹۸۹، پيش بيني شده است. اين بند مقرر مي‌دارد: «در تمام اقدامات مربوط به كودكان كه توسط مؤسسات رفاه اجتماعي عمومي و خصوصي دادگاهها مقامات اجرائي يا ارگانهاي حقوقي انجام مي‌شود مصالح كودك از اهم ملاحظات مي‌باشد». در اين ميان نظام عدالت كيفري ايران نيز از گذر دو رويكرد ماهوي و شكلي اين اصل را مورد رعايت قرار داده است. در حقوق كيفري ايران نيز «قانون آيين دادرسي كيفري ۱۳۹۲ با معرفي ساختاري جديد، تغييرات قابل‌توجهي را در اين زمينه ايجاد کرده است. اين قانون از رهگذر تأسيس نهادهای جدیدی از قبیل دادگاه اختصاصی برای اطفال، دادسرای اطفال، پلیس اطفال و الزام به تشکیل پرونده شخصیت، اقدام به ساماندهی نظامی افتراقی نموده است. این امر می‌تواند ناشی از تأثیرپذیری آگاهانه قانون‌گذار از برخی الگوهای عدالت كيفري اطفال باشد» (نيازپور، ۱۳۹۶، ۶۷). در فرايند دادرسي كيفري و در ترتيب زماني نخستين جلوه افتراقي شدن عدالت كيفري كودكان و نوجوانان را بايد در

كيفري و نظام قضايي رسمي امكانپذير نباشد، فرايند كشف، تحقيقات مقدماتي و دادرسي بايد به گونه‌اي سازمان دهی شود كه حریم شخصی ایشان كاملاً رعايت گردد. علنی نمودن فرايند كشف، تحقيقات مقدماتي و دادرسي و افشای هويت و مشخصات اطفال و نوجوانان از طريق مطبوعات و رسانه‌های گروهی، يا حضور افراد، به شخصیت و حیثیت آنان لطمه جبران‌ناپذیر وارد کرده و موجب سلب اعتماد به نفس ایشان خواهد گردید» (موزن‌زادگان، ۱۳۸۳، ۱۴۷). تحقيقات مقدماتي چه به‌وسيله‌ی مقام قضايي و چه توسط ضابط قضايي انجام شود بايد به صورت سرّی باشد و هر مقامي كه در اين تحقيقات شركت مي‌كند مكلف به حفظ اسرار آن است. متهمين، شكات و شهود منفرداً بازجويي مي‌شوند و نبايد از اظهارات يكدیگر اطلاع حاصل كنند. اين غيرعلنی‌بودن تحقيقات، مانع از آن نيست كه متهم بتواند يك نفر و كيل رسمي دادگستري را همراه خود داشته باشد.

۵-۱-۳. اصل دادرسي عادلانه و

نهادهاي پيراقضايي

تمايزات طبيعي جسمي و روحي كودكان و نوجوانان از بزرگسالان منجر به تمايزات تقنيني كيفري و غيركيفري شده است. اين تمايزات بر عرصه دادرسي كيفري نيز تأثير مستقيم گذاشته و زمينه ظهور يك الگوي دادرسي كيفري افتراقي براي كودكان و نوجوانان را فراهم ساخته است (خالقي، ۱۳۹۵). دادرسي افتراقي مبتني بر منافع عاليه كودكان است. منافع عاليه اطفال و نوجوانان را مي‌توان شامل هر آنچه به مصلحت كودكان و نوجوانان است، منفعتي را نصيب اين افراد مي‌كند و مانع ضرري بالفعل يا بالقوه مي‌گردد، دانست (آيتاي، ۱۳۹۲، ۲۰). الگوي افتراقي به‌تدریج به

گرفته است عبارت «پلیس ویژه اطفال و نوجوانان» نیروهای آموزش دیده‌ای را متبادر به ذهن می‌نماید که در برخورد با اطفال و نوجوانان بزهکار، رفتارهای خود را با توجه به وضعیت و شخصیت آسیب پذیر این افراد منطبق نموده و وظیفه آنها صرفاً پرداختن به امور اطفال و نوجوانان باشد (خالقی، ۱۳۹۴، ج ۲، ۷۸). لیکن با توجه به کافی نبودن امکانات قوه قضائیه از نظر تجهیزات و نیروی انسانی و با عنایت به فراهم نبودن زمینه مناسب در خصوص تشکیل پلیس ویژه اطفال تا پیش از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ پیش بینی پلیس متخصص اطفال و نوجوانان که علی رغم داشتن تخصص و آموزش در برخورد با اطفال و نوجوانان، کارشان منحصرماً پرداختن به امور اطفال و نوجوانان نباشد، مناسب‌تر بود.

البته به پلیس اطفال در حقوق کیفری ایران نقدهایی وارد است. «تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و هدف اصلی این نهاد در مسئولیت پذیری و باز اجتماعی کردن و پیشگیری از تکرار بزهکاری اطفال و نوجوانان ایجاب می‌نماید پلیس در جرائم صغار نیز همانند جرائم اشخاص بالغ ۱۵ تا ۱۸ سال حق مداخله، تحقیق و بازجویی داشته باشد و برخلاف مداخله مقامات قضائی نهادهای (دادسرا) و (دادگاه) که از یک منطبق و سیاست افتراقی تبعیت می‌کند بایستی با افزایش حدود اختیارات پلیس ویژه در انجام تحقیق و بازجویی مداخله پلیسی نیز واجد نوعی کیفیت افتراقی باشد» (خواجه نوری، ۱۳۹۶، ۲۷۳).

برخلاف تبصره ۱ ماده ۲۸۵ که حق مداخله پلیس را صرفاً در جرائم افراد پانزده تا هجده ساله مورد شناسایی قرار داده است، در جرائم مشهود

نهادهای ویژه‌ای جست که برای رسیدگی به اتهامات کودکان و نوجوانان تشکیل می‌شوند این نهادها می‌توانند در دسته نهادهای قضایی قرار داشته باشند یا غیر قضایی این موضوع مورد توجه قانونگذار ایرانی نیز قرار گرفته و در راستای افتراقی سازی نهادهای عدالت کیفری کودکان و نوجوانان چندین نهاد ویژه اعم از قضایی و پیراقضایی را تأسیس کرده است که در ادامه به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

۱-۳-۱-۵. پلیس ویژه کودکان و نوجوانان

«اولین نتیجه اختصاصی بودن ساختار پلیس، اختصاص یک مرکز پلیس جهت رسیدگی به بزهکاری اطفال است که در این صورت تنها به جرائم اطفال و نوجوانان بزهکار در آن محل رسیدگی می‌شود» (میرکمالی؛ حسینی، ۱۳۹۵، ۳۷). در همین راستا، بند ۱۲ مقررات پکن مقرر کرده است: «به منظور انجام بهینه وظایف خود مأموران انتظامی که غالباً یا منحصرماً در رابطه با نوجوانان فعالیت دارند، تعلیمات و آموزش ویژه دریافت خواهند داشت در شهرهای بزرگ واحدهای ویژه پلیس باید بدین منظور ایجاد شود». کنوانسیون کودکان و نوجوانان را مورد حکم قرار نداده است؛ اما در بند ۳ ماده ۴۰ از کشورهای عضو خواسته است تا در راستای تأسیس نهادها و مراجعی که به کودکان و نوجوانان مظنون و متهم اختصاص دارند تلاش کنند با این وجود همواره باید در راستای جلوگیری از درگیر شدن کودکان و نوجوانان با فرایند رسمی دادرسی کیفری به لحاظ آثار سوء آن کوشش کرد (نیازپور، ۱۳۹۶). در حقوق کیفری ایران نیز براساس ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، تشکیل نهاد پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، به صورت تخصصی مورد اشاره قرار

۱۵۸)، زیرا علی القاعده، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان صرفاً با ایفای وظایف و تکالیف خود شامل انجام تحقیقات مقدماتی، بازجویی از متهمین، دستگیری متهم، جمع آوری دلایل و... قابل تصور می‌باشد (شاملو؛ پاک‌نیت، ۱۳۹۴).

از سوی دیگر اجازه انجام تحقیقات مقدماتی توسط ضابطان دادگستری در جرائم غیر مشهود افراد پانزده تا هجده سال، براساس تبصره ۱ ماده ۲۸۵، و ممنوعیت مداخله ضابطان در جرائم مشهود این گروه سنی مطابق تبصره ۲ ماده مذکور، با ماهیت جرم مشهود که صرف نظر از سن مرتکب جرم مستلزم دخالت سریع مأموران پلیس جهت دستگیری متهم است، تعارض دارد. «بر این اساس، به موجب ذیل ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، ضابطان دادگستری در جرائم مشهود، جهت جلوگیری از فرار یا از دست رفتن دلایل جرم، امکان انجام تحقیقات لازم حتی بازجویی یا تحت نظر قرار دادن متهم بزرگسال را تا قبل از اطلاع به مقام قضایی دارند» (شیرانی؛ حیدری، ۱۳۹۶، ۸۹). «لکن در جرائم مشهود ارتكابی اطفال و نوجوانان، که بخش اعظم جرائم این افراد را تشکیل می‌دهند و مستلزم مداخله و مراقبت دائمی پلیس می‌باشد، مأموران پلیس اجازه تحقیق ندارند. بر این اساس می‌توان گفت سلب حق مداخله ضابطان در انجام تحقیقات مقدماتی ناظر به جرائم مشهود گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال با منطبق حقوقی نیز سازگار نمی‌باشد» (خالقی، ۱۳۹۴، ج ۲، ۸۰).

اگر پلیس ویژه در انجام وظایف خود در برابر طفل یا نوجوان تحقیق و بازجویی از او را الزم بداند باید قائل به تفکیک شد اگر جرم "مشهود" باشد ضابطان فقط می‌توانند نسبت به حفظ آلات ادوات آثار جرم علائم و دلایل جرم اقدام نمایند،

که مستلزم دخالت سریع و حفظ آثار و امارات وقوع جرم است حکم متفاوتی مورد پیش بینی قرار گرفته و به موجب تبصره ۲ ماده ۲۸۵، «ضابطان دادگستری حتی در صورت ارتكاب جرائم مشهود توسط اطفال و نوجوانان زیر پانزده سال، حق مداخله نداشته و مکلفند نسبت به حفظ، آلات، ادوات، آثار علائم و دلایل جرم اقدام نمایند، لکن اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل یا نوجوان را ندارند و در صورت دستگیری وی موظفند متهم را حسب مورد فوری به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند...». «در اسناد بین‌المللی و رویکردهای تطبیقی، قانونگذار این اختیار را برای مأمورین متخصص اطفال و نوجوانان قائل شده تا در صورت ارتكاب جرائم مشهود که جمع آوری ادله و حفظ آثار جرم فوریت، دارد کلیه اقدامات لازم را برای جلوگیری از امحاء آثار جرم و فرار مجرم و هر تحقیقی که فوریت داشته باشد انجام داده و برای شناسایی شخصیت طفل وانگیزه ارتكاب جرم اطلاعات لازم را جمع آوری نمایند» (دانش، ۱۳۸۶، ۷۵).

«در عمل، انجام وظایف نیروی انتظامی توسط قضات دادگاه اطفال و نوجوانان، به ویژه در جرائم مشهود و یا در مواقعی که طفل فاقد سرپرست و خانواده می‌باشد یا نسبت به اجرای دستور مقام قضائی تمکین نمی‌کند امکان پذیر نیست و دادگاه اجباراً بایستی از نیروی انتظامی استمداد بطلبد» (خواجه نوری، ۱۳۹۶، ۲۷۷). از طرف دیگر به نظر می‌رسد مفاد ذیل تبصره ۲ ماده ۲۸۵ که امکان انجام تحقیقات مقدماتی در جرائم اطفال و نوجوانان را از مأمورین پلیس سلب نموده با مفاد و مضمون ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در زمینه تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مغایرت دارد (رستمی؛ موسوی، ۱۳۹۹،

در صورت لزوم او را دستگیر کنند ولی اجازه تحقیق از او را نداشته و باید به او به دادگاه اطفال و نوجوانان در مورد افراد زیر ۱۵ و یا به دادرسی ویژه نوجوانان در مورد افراد ۱۵ تا ۱۸ سال تحویل دهند. اگر جرم غیر مشهود باشد. در مورد افراد زیر ۱۵ سال باز پلیس ویژه دخالتی نداشته و دادگاه مذکور وظایفی را که بر عهده ضابطان است خود انجام می‌دهد و در مورد افراد ۱۵ تا ۱۸ سال نیز دادرسی ویژه نوجوانان صلاحیت داشته و مداخله این واحد نیروی انتظامی برای تحقیقات منوط به ارجاع آن از سوی بازپرس است. با این، وصف اینگونه به ذهن متبادر می‌گردد که پلیس اطفال جایگاهی نداشته و بهتر است عنوان این واحد تخصصی به پلیس ویژه نوجوانان تغییر یابد.

۵-۱-۳-۲. دادرسی ویژه اطفال

قاعده استاندارد اصلی حاکم بر عدالت کیفری کودکان و نوجوانان این است که فرآیند دادرسی باید تا اندازه ممکن، کوتاه سریع و با کمترین تشریفات باشد. در واقع، «کوتاه سازی فرآیند رسیدگی و کاستن از شمار نهادهای کیفری یکی از تدابیری است که در جهت حمایت از کودکان و نوجوانان به کار بسته می‌شود. از این رو سعی می‌شود تا مراحل دادرسی در خصوص کودکان کاهش پیدا کرده و تا اندازه ممکن در یک یا چند نهاد ویژه متمرکز شود دلیل این امر آن است که هر چقدر ماندگاری کودک و نوجوان در چرخه دادرسی بیشتر شود، به همان اندازه بیشتر در معرض برچسب‌های منفی و آسیب‌های روحی و روانی قرار خواهد گرفت. لذا باید تلاش کرد که کودک تا اندازه ممکن به این چرخه آسیب رسان وارد نشده و در صورت ورود نیز هر چه سریع‌تر خارج شود و در کنوانسیون بین المللی در ماده ۲ «قواعد پکن (۱۹۸۵) و بندهای (۲)، (۳) ماده ۴۰

«پیمان نامه حقوق کودک (۱۹۸۹) بر پرهیز از هرگونه تأخیر غیرضروری در رسیدگی به پرونده کودکان و نوجوانان تأکید شده است. همچنین در فرایندهای رسمی کیفری ویژه کودکان و نوجوانان اساساً موجب انگ زنی مجرمانه به آنها و شکل گیری شخصیت و هویت مجرمانه یا مزمن شدن بزهکاری آنها می‌شود. بنابراین توصیه می‌شود که مداخله کیفری همواره به عنوان آخرین و کمترین وسیله به کار گرفته شده و از ورود کودکان معارض قانون به چرخه عدالت کیفری اجتناب شود (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۶). در قواعد پکن (بیجینگ ۱۹۸۵) و ماده ۴۰ (۳) (ب) «پیمان نامه حقوق کودک (۱۹۸۹) نیز تأکید شده است که در رسیدگی به بزهکاری کودکان و نوجوانان از «شیوه‌های غیر قضایی» و «غیرر» استفاده شود (بشیریه و همکاران، ۱۳۹۷). در مرتبه اول اقدام به تشکیل دادرسی «ویژه نوجوانان» کرده (ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک)، ولی در مرحله دوم، قلمرو صلاحیت آن را محدود به جرائم افراد با الی پانزده سال تمام خورشیدی کرده است به این ترتیب، قانونگذار در راستای افتراقی سازی نهادهای ویژه عدالت کیفری کودکان و نوجوانان در اقدامی سنجیده تحقیقات مقدماتی افراد بالای ۱۵ سال تمام خورشیدی را نیز به نهادی ویژه واگذار کرده است که در حقوق ایران این شیوه سابقه‌ای نداشته است. این اقدام در راستای رعایت سه اصل تخصص حمایت و تربیت صورت گرفته است (خواجه نوری، ۱۳۹۶). در رابطه با این دادرسی ویژه باید به چند نکته مهم توجه داشت. نخست اینکه این دادرسی به دادرسی اختصاصی، بلکه «تخصصی» است؛ به این معنا که شعبه‌ای از دادرسی عمومی و انقلاب است. به نظر می‌رسد بهتر آن بود که دادرسی اختصاصی و مستقل

پرونده را جهت رسيدگي به دادگاه محل وقوع جرم ارسال نمايد. سابقه ضرورت تشكيل دادگاه‌هاي اطفال براي اولين در كنوانسيون ۱۹۸۹ حقوق كودك مورد تاكيد متعاهدين قرار گرفت» (دانش، ۱۳۸۶، ۱۲) و بر اساس بند سوم ماده ۴۰ كنوانسيون مورد اشاره: «دول عضو در جهت افزايش وضع قانون، اتخاذ شيوه‌هاي رسيدگي و همچنين ايجاد مراجع و نهادهايي خاص براي اطفال مظنون يا متهم به ارتكاب جرم و يا محكوم تلاش خواهند نمود». در نظام حقوقی ايران نیز مانند اسناد بين‌المللی، اصل دادرسی عادلانه؛ دادگاه ویژه اطفال مورد توجه قرار گرفته و در این راستا، دو دادگاه ویژه جهت رسيدگي نخستين تأسيس شده است که عبارتند از دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه كيفري يك ویژه نوجوانان مبنای این تفكيك درجه شدت و اهميت جرائم ارتكابی و لزوم دقت بيشتري در رسيدگي به این دسته از اتهامات است. وجه اشتراك این دو دادگاه آن است که در دو به عنوان دادگاهی اولیه رسيدگي به جرائم را آغاز می‌کنند گرچه در نظام دادرسی كيفري کشور می‌توان آشکارا مراجع ديگر دارای صلاحيت ذاتی را مشاهده کرد ولی قانونگذار دادگاه‌هاي انقلاب را از شمول محاکم رسيدگي کننده به اطفال خارج کرده است (مؤذن زادگان؛ مهابادی، ۱۳۹۳). با این توضیح که با لحاظ واقعيتهاي مربوط به كودكان و با توجه به شدت گرايي حاکم دادگاه‌هاي انقلاب که اساساً سختگيري نسبت به مرتکبان جرائم را در اولويت دارند حکم به صلاحيت محاکم ویژه اطفال در موارد تعارض در صلاحيت ذاتی با دادگاه انقلاب کرده است (نيازپور، ۱۳۹۶). تأمین اهداف دادرسی افتراقی كودكان و نوجوانان و تأمین منافع عاليه آنها، قاضي ویژه كودكان و نوجوانان، مهمترين

برای نوجوانان در نظر گرفته می‌شد. دوم اینکه صلاحيت شخصي آن محدود به جرائم افراد بالای پانزده سال تمام خورشیدی است (ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک) از این رو این نهاد اختيار انجام تحقيقات مقدماتی در رابطه با جرائم افراد زیر پانزده سال تمام خورشیدی را ندارد به همین دلیل در عنوان آن نیز به كودكان اشاره نشده است. سوم اینکه این دادسرا در جرائم منافی عفت ارتكابی از سوی افراد بالای پانزده سال تا هجده سال تمام خورشیدی نیز اختيار انجام تحقيقات مقدماتی را ندارد (ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک). در این موارد دادگاه كودكان و نوجوانان تحقيقات مقدماتی را انجام می‌دهد.

۵-۳. اصول بنيادين اجراء عدالت مربوط به حقوق كودك و نوجوان در مرحله دادرسی

در این قسمت به بررسی اصول بنيادين اجراء عدالت مربوط به حقوق كودك و نوجوان در مرحله رسيدگي در نظام حقوقی ايران با اسناد بين المللی پرداخته می‌شود.

۵-۳-۱. اصل دادرسی عادلانه؛ دادگاه ویژه اطفال

دادرسی عادلانه یا منصفانه به معنای تضمینات کلی است که جهت رعایت حقوق طرفین در فرآیند دادرسی انواع دعاوی نزد دادگاهی صلاحيت دار، مستقل، بی طرف و قابل پيش بينی در مکانیزم قضایی پيش بينی شده است. «بند سوم قسمت ب ماده ۴۰ پیمان حقوق كودك، تشكيل مرجع قضایی واجد صلاحيت مستقل و بی طرف را در مورد رسيدگي به اتهام اطفال و نوجوانان پيش بينی و مقرر کرده است. دادگاه محل دستگيري، اقامت طفل یا نوجوان، یا محل كشف جرم باید تحقيقات مقدماتی را انجام داده،

نوع همیاری مشاوره‌ای، از جمله مشاوره حقوقی و روانشناسی را نیز در بر می‌گیرد» (مهرا، ۱۳۹۹، ۶۵). مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی نیز در ماده ۸۱ مقرر می‌دارد کارکنان باید واجد صلاحیت و شامل تعداد کافی متخصص از قبیل معلمان، مدرسان حرفه‌ای، مشاوران، مددکاران اجتماعی، روان‌پزشکان و روان‌شناسان باشند.

در حقوق کیفری ایران نیز اصل مشارکت در دادرسی کیفری مورد پذیرش قرار گرفته است اما به مشارکت مشاوران و مددکاران اجتماعی در حقوق کیفری ایران، نقدهایی وارد است. دخالت مشاور در دادرسی اطفال و نوجوانان برای نخستین بار پس از انقلاب با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴ مورد توجه قرار گرفته است به موجب ماده ۲۹۸ قانون مزبور «دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و یک مشاور تشکیل می‌شود نظر مشاور، مشورتی است.»

گرچه مطابق اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۴ تقلیل تعداد مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان از دو نفر به یک نفر با توجه به سبک بودن جرائم مشمول صلاحیت دادگاه اطفال تا حدی موجه تلقی می‌شود لیکن اهمیت جرائم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان مستلزم مداخله مشاوران و کارشناسان متعددی برای مطالعه سوابق و روحیات اطفال می‌باشد. با این حال این مهم مورد توجه قانون قرار نگرفته است و به نظر می‌رسد عدم تغییر عبارت مشاوران در تبصره ۲ ماده ۳۱۵ که اشعار می‌دارد «حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر در این قانون برای رسیدگی به جرائم نوجوانان در دادگاه کیفری یک ویژه

رکن این تخصص‌گرایی می‌باشد. زیرا تصمیم نهایی در مورد بزهکاری کودک یا نوجوان را قاضی می‌گیرد و از اینرو لازم است که قاضی متخصص در رسیدگی به جرائم کودکان و نوجوانان، آشنایی با مسائل روانشناختی، اجتماعی و نیز شرایط سنی و تجربه را داشته باشد.

۵-۳-۲. اصل مشارکت در دادرسی کیفری

مشاور دادگاه کودکان و نوجوانان، کنشگر مهمی در دادرسی کودکان و نوجوانان ایفای نقش می‌کند است (میرکمالی؛ حسینی، ۱۳۹۵). حضور مشاوران در فرآیند رسیدگی سبب «مشارکتی»، «مشورتی» و «شورایی» شدن دادرسی‌های کودکان و نوجوانان شده و انحصار کنشگران حقوقی را در هم می‌شکند و همین امر تاثیر بسزایی در تحقق دادرسی عادلانه دارد» (کریمی، ۱۳۹۲، ۴۸۶). ضرورت مشاوره تخصصی به قاضی اطفال و نوجوانان در اسناد بین‌المللی صراحتاً مورد توجه قرار گرفته است. به موجب بند ۴ ماده ۴۰ پیمان نامه حقوق کودک: «تمهیدات و مسائلی از قبیل مقررات نگهداری، راهنمایی، نظارت، مشاوره و سایر اقدامات دیگر در جهت تضمین این که با کودکان رفتاری متناسب با رفاه و شرایط و جرم ارتكابی آنها خواهد شد بایستی تأمین شود.» «پیمان نامه حقوق کودک در ماده ۴۰ از دادرسی عادلانه مطابق قانون و همراه با کمک حقوقی یا دیگر کمک‌های مقتضی نام برده است. این معنا اگر چه صراحتی بر استفاده از مشاوره در دادرسی کودکان و نوجوانان ندارد؛ اما ادله این تأکید با عبارت و منوط به مغایر نبودن با منافع عالیه کودک به ویژه با توجه به سن یا وضعیت کودک می‌تواند ضرورت مشاوره را نیز در خود بگنجانند همین ماده در بند ۴ اشاره به مشاوره دارد که هر

استاندارد سازمان ملل براي دادرسي ويژه نوجوانان مقررات (پكن) مصوب ۱۹۸۵ زنان بايستي در دستگاه‌هاي قضايي، نوجوانان به شكلي عادلانه حضور داشته باشند در تفسير اين ماده نيز توصيه گرديده كه اقدامات خاصي جهت استخدام آموزش و تسهيل ارتقاي كاركنان زن در دادرسي ويژه نوجوانان به عمل آيد. در هر حال گرچه قانون آيين دادرسي كيفري ۱۳۹۲ با پيش بيني مشاور در كنار قاضي دادگاه اطفال گام مثبتي در راستاي تخصصي نمودن دادگاه اطفال برداشته است. ليكن عدم تعيين دقيق تعداد مشاوران زن در دادگاه كيفري يك ويژه رسيدگي به جرائم نوجوانان و الزامي ندانستن حضور مشاور زن در صورت مذكر بودن متهم از ايراداتي است كه همچنان بر روند دادرسي اطفال و نوجوانان باقي است و مستلزم اصلاح از سوي مراجع قانوني مي‌باشد.

۵-۳-۳. اصل رسيدگي دو درجه‌اي

دادگاه‌هاي ويژه كودكان و نوجوانان را نبايد به دادگاه‌هاي نخستين محدود كرد؛ زيرا به دليل دو درجه‌اي بودن دادرسي‌هاي، كيفري هر لحظه امکان آن وجود دارد كه رسيدگي ماهوي به پرونده در دادگاهي بالاتر آغاز شود. از اين رو، نياز است كه در سطح دادگاه‌هاي عالي نيز مراجع تخصصي تشكيل شود تا زنجيره الكوي عدالت رفاهي و تربيتي كودكان و نوجوانان تكميل شود. بنا بر اين تشكيل دادگاه ويژه تجديد نظر نيز ضرورتي گريزناپذير است. به خصوص كه تجديد نظر خواهي به صراحت در بند ۵ ماده ۱۴ ميثاق حقوق مدني و سياسي به اين شكل پيش بيني شده است كه: «هر كس به خاطر ارتكاب جرمي محكوميت يافته است حق دارد كه محكوميت و مجازات او از سوي دادگاهي بالاتر

رسيدگي به جرائم آنان الزامي است»، خواسته مقنن نبوده و چون در مقام تغيير عبارت جرائم اطفال و نوجوانان به عبارت «جرائم نوجوانان» بوده، به واژه «مشاوران» در اين تبصره توجه نكرده و اين واژه به همين ترتيب در تبصره فوق باقي مانده است.

ماده ۴۱۰ قانون مذكور در مقام بيان شرايط مشاوران دادگاه اطفال بيان مي‌دارد «مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان از بين متخصصان علوم تربيتي روانشناسي، جرم شناسي مددكاري اجتماعي دانشگاهيان و فرهنگيان آشنا به مسائل روانشناختي و تربيتي كودكان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته انتخاب مي‌شوند». در عمل با توجه به اين كه قرار است در حوزه قضايي هر شهرستان براساس تبصره ماده ۲۹۸ دادگاه اطفال و نوجوانان تشكيل شود پيش بيني حضور كارشناسان رشته‌هاي فوق به جاي متخصصان اين رشته‌ها مناسب تر بود.

علي رغم اين كه وجود مشاور قضايي زن در كنار قاضي دادگاه اطفال مي‌تواند بر روند دادرسي و صدور حكم متناسب با روحيات اطفال و نوجوانان بزهكار مؤثر واقع شود، ليكن به نظر مي‌رسد مشروط كردن ضرورت حضور مشاور زن به مؤنث بودن متهم، بنابر تبصره ۲ ماده ۴۱۰، با ماهيت برخورد متناسب با ويژگيها و ظرايف روحي و رواني اطفال و نوجوانان بزهكار چندان سازگار نباشد به همين جهت است كه در اسناد بين‌المللي حقوق كودك نيز به جهت علاقه مندي مشاوران زن به درك عميق ويژگيهاي رفتاري اطفال و نوجوانان بزهكار اعم از ذكور و اناث به ضرورت حضور زنان مشاور در جلسات دادرسي تأكيد گرديده است (معاونت حقوقي قوه قضاييه، ۱۳۹۴). براساس ذيل ماده ۲۲۲ مقررات حداقل

موافق قانون مورد رسیدگی مجدد واقع شود» همچنین قسمت دوم ماده ۸۱ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی نیز در این باره مقرر می‌دارد: «دادستان و یا محکوم علیه بر اساس عدم تناسب جرم و مجازات می‌توانند بر طبق ترتیبات مقرر در «آیین نامه دادرسی و ادله» نسبت به میزان مجازات تعیین شده تجدیدنظر خواهی نمایند».

این حق در اسناد منطقه ای نیز به نحو ویژه ای مورد توجه است؛ برای نمونه این حق در قسمت هشتم بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی و بند الف ماده ۷ منشور آفریقایی آمده است. در نظام حقوقی ایران تشکیل چنین نهادی برای نخستین بار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مورد توجه قرار گرفته و قانونگذار در راستای رعایت سه «اصل تخصص»، «حمایت» و «تربیت»، اقدام به تأسیس «شعبه تجدید نظر ویژه اطفال و نوجوانان» کرده است؛ به این صورت که شعبه‌ای از دادگاه تجدیدنظر استان را برای رسیدگی به این دسته از دعاوی اختصاص داده است (نیازپور، ۱۳۹۳). بر اساس ماده ۴۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری: «مرجع رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان شعبه‌ای از دادگاه تجدیدنظر استان که مطابق با شرایط مقرر در این قانون با ابالغ رئیس قوه قضائیه تعیین می‌گردد...» همچنین مطابق ماده ۴۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری: «درخواست تجدیدنظر از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند توسط نوجوان یا ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان یا وکیل آنان به عمل آید. دادستان نیز هرگاه آراء و تصمیمات دادگاه را مخالف قانون بداند می‌تواند درخواست تجدید نظر نماید». با این سیاست قانونگذار تلاش کرده است تا الگوی افتراقی و رفاهی را در سطح

مراجع عالی نیز به اجرا گذارد. البته بهتر آن بود که به جای اختصاص شعبه‌ای از دادگاه تجدیدنظر استان برای این منظور دادگاهی مستقل بر پا می‌کرد تا نهادهای دادرسی کودکان و نوجوانان، به طور کامل از دادرسی بزرگسالان تفکیک و مستقل شود. در هر حال با تشکیل این چهار نهاد قضایی ویژه، عدالت کیفری کودکان و نوجوانان چهره افتراقی به خود گرفته و کودکان و نوجوانان از امتیاز رسیدگی در نهادهای تخصصی و حمایتی بهره مند شوند. قانونگذار به همین اندازه بسنده نکرده و این الگوی افتراقی را با تشکیل نهادهای پیراقضایی تکمیل کرده است.

۳-۴-۵. اصل فردی کردن مجازات و

تشکیل پرونده شخصیت

تشکیل پرونده شخصیت برای اطفال و نوجوانان، به جهت دارا بودن وضعیت جسمانی ضعیف و حالات روحی شکننده و همچنین سن کم که معیارهای شخصیت زیستی و روانی یک فرد می‌باشند، اهمیت زیادی دارد. بر همین اساس مطابق ماده ۱۶ از مجموعه حداقل قواعد سازمان ملل «تشکیل پرونده شخصیت جز در مورد اتهامات جزئی اطفال و نوجوانان، در طول جریان تحقیقات و دادرسی ویژه اطفال ضروری است». در حقوق ایران نیز قانونگذار اعم از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بدین امر توجه ویژه ای را نموده است (ذبیحی، ۱۳۹۳، ۱۰۱). مطابق ماده ۲۸۶ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲: «علاوه بر موارد مذکور در ماده ۲۰۳ این قانون، در جرایم تعزیری درجه پنج و شش نیز، تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی است». بر اساس ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری: «در جرائمی که مجازات

قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید». ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز مؤید این امر می باشد و در صدر ماده نیز به سن اطفال و نوجوانان به عنوان یکی از شاخصه های تشکیل پرونده ی شخصیت اشاره نموده است.

۵-۳-۵. اصل غیر علنی بودن دادرسی

«علنی نمودن فرایند کشف، تحقیقات مقدماتی و دادرسی و افشای هویت و مشخصات اطفال و نوجوانان از طریق مطبوعات و رسانه های گروهی، یا حضور افراد، به شخصیت و حیثیت آنان لطمه جبران ناپذیر وارد کرده و موجب سلب اعتماد به نفس ایشان خواهد گردید. طرح اتهام طفل یا نوجوان در کوچه و بازار و برچسب زنی جرم به وی موجب خدشه دار شدن شخصیت طبیعی او می گردد و وی خود را در قالب مجرم تصور و تجسم می نماید. آنگاه در مسیر اصلاح و تربیتش معضلات اساسی ایجاد می شود» (مؤذن زادگان؛ مهابادی، ۱۳۹۳). این امر به ویژه برای اطفال که ارتکاب جرم توسط آنان به دلیل عدم بلوغ فکری، حساسیت های فکری، حساسیت های فردی و آسیب پذیری سریع اتفاق می افتد بیشتر مورد توجه می باشد در اکثر نظام های کیفری اطفال، انتشار هویت، مشخصات فردی و خانوادگی کودک بزهکار ممنوع و اصولاً درج اخبار و اطلاعات مربوط به دادرسی، تصویربرداری و پخش آن در وسایل ارتباط جمعی ممنوع می باشد. مطابق بخش دوم بند ب ماده ۴۰ کنوانسیون

حقوق كودك: «به سرعت و مستقيماً، و در موارد مقتضی از طريق والدين يا سرپرستان قانونی خود، از اتهامات وارده عليه خود اطلاع يابد و برای تهیه و ارائه دفاعیه خود از كمك و مشاوره حقوقی يا ديگر كمكهای مقتضی برخوردار شود». مطابق کنوانسیون مورد اشاره كودك و نوجوان بايد از طريق والدين و يا سرپرست خود در جريان اتهامات وارده قرار گيرد و نام بردن از والدين و سرپرست بدین معنی است که ديگران نبايد از اين اتهامات وارده مطلع شوند. حفظ اسرار کيفری طفل وسعی در عدم آسیب پذیری و در واقع حمايت از او موجب گرديده است که معمولاً در طول دادرسی غير از افرادی که حضورشان برای جريان دادرسی ضرورت داشته باشد مانند والدين، شهود، نماينده جامعه، شاکي، افراد ديگر، به ویژه ارباب جرايد و مردم عادی امکان ورود و استحضار از روند محاکمه را نخواهند داشت. اما متأسفانه بايد اشاره نمود که اين اصل به صراحت در قانون آيين دادرسی کيفری اشاره نشده است و برخلاف اصل غير علنی بودن دادرسی در ماده ۴۱۳ اين قانون اشاره شده است که حضور افراد ديگر به دادگاه بلامانع می باشد.

۶. نتیجه

نتایج نشان داد که در اسناد بين المللی به ویژه قواعد استاندارد دادرسی نوجوانان مصوب ۱۹۸۵ مشهور به قواعد پکن و پیمان نامه حقوق كودك مصوب ۱۹۸۹م به اصول بنيادين اجراء عدالت مربوط به حقوق كودك و نوجوان در فرایند دادرسی کيفری اشاره شده و حقوقی چون، پليس اطفال، عدم علنی بودن تحقیقات، مشارکت مشاوران و مددکاران اجتماعی، دادگاه ویژه اطفال برای كودكان و نوجوانان در فرایند دادرسی

پذیرفته شده است. قانونگذار ایرانی، با هدف ترویج گفتمان دادرسی افتراقی، به نحوه شایسته‌ای از اسناد بین‌المللی حقوق کودک، اعم از الزام آور و غیر الزا آور، به منظور تدوین این مقررات، بهره‌برداری نموده است. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بیانگر تحولات خوبی در قوانین کودکان و نوجوانان می‌باشد، به طوری که رسیدگی به بزهکاری کودکان و نوجوانان، بستگی به سن آنان متفاوت است و پاسخ‌ها و تصمیم‌های در نظر گرفته شده نیز با یکدیگر تفاوت دارند. از جمله موضوعاتی که در این قانون مورد توجه و تأکید قرار گرفته، حضور مشاور در دادگاه کودکان و نوجوانان، تشکیل پلیس ویژه نوجوانان، تشکیل پرونده شخصیت، حضور وکیل و حضور والدین یا سرپرست قانونی می‌باشد.

در حقوق ایران نیز به موجب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تشکیلات قضایی و آیین دادرسی ویژه‌ای برای رسیدگی به جرائم این افراد مقرر شده است انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی توسط قاضی واحد، تسری برخی امتیازات و مقررات ارفاقی دادرسی اطفال به افراد بالغ زیر ۱۸ سال، لزوم تفکیک پرونده اطفال و نوجوانان از بزرگسالان در صورت معاونت و مشارکت در جرم الزام به تشکیل پرونده شخصیت پیش‌بینی تأمین کیفری خاص، امکان نقض قاعده فراغ دادرسی در جرائم اطفال و نوجوانان و غیره از جمله شیوه‌های تضمین حقوق متهم در آیین دادرسی جرائم اطفال و نوجوانان می‌باشد. لیکن صرف پیش‌بینی تضمینات حقوق اطفال و نوجوانان بزهکار در روند رسیدگی را نمی‌توان به معنای تشکیل یک دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان دانست؛ زیرا تحقق یک دادرسی ویژه زمانی امکان‌پذیر است

که صرف‌نظر از ایجاد تمهیدات قانونی خاصی و آیین دادرسی افتراقی، نهادهای دادرسی قضایی و پیرا قضایی اطفال و نوجوانان، نیز پیش‌بینی گردد تا رعایت مصالح و حقوق این افراد را به طور کامل تضمین نماید. افزون بر این به منظور ایجاد فضای کودک محور و رفتار مداراگرایانه با کودکان و نوجوانان سعی شده است تا در هر یک از این نهادهای ویژه کنشگرانی تخصصی مانند پلیس کودکان و نوجوانان، دادرس کودکان و، نوجوانان مشاوران ویژه و غیره مشغول خدمت شوند که این می‌تواند تلاشی باشد در راستای افتراقی سازی کنشگران عدالت کیفری کودکان. با این حال در رویکرد قانونگذار ابهاماتی در پذیرش کامل دادرسی افتراقی پیرا قضایی مشاهده می‌شود. عدم اجازه تحقیقات توسط پلیس ویژه در جرائم افراد کمتر از ۱۵ سال تمام شمسی، ممنوعیت مداخله این کنشگران در جرائم مشهود گروه ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی عدم تعیین تعداد مشاوران زن در محاکم کیفری، نبود همکاری میان رشته‌ای قضایی و مددکاری و نیز نبود تعرفه‌های درمانی اصلاحی مرتبط با این بزهکاران، ضعف‌های آموزشی، عدم تعیین ضمانت اجرای عدم تعهد به تشکیل پرونده شخصیت از چالش‌های افتراقی سازی این نوع دادرسی است. از این رو، می‌توان پیشنهادهاتی را ارائه داد: ۱. تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان یا ایجاد واحدهای تخصصی در نیروی انتظامی جهت برخورد متناسب با ویژگی‌های شخصیتی خاص اطفال و نوجوانان بزهکار و همچنین بهبود نگرش این افراد نسبت به دستگاه قضایی و نیروی انتظامی در قانون پیش‌بینی. شود تصریح به تکالیف این پلیس در قالب مواد گوناگون و با توجه به جرائم مشهود و غیر مشهود از دیگر وظایف قانونگذار است. ۲. عدم

تكليف دادگاه به تشكيل پرونده شناسايي شخصيت در مراحل مختلف دادرسي از جمله مرحله اجراء حكم از ابهامات و كاستي‌هاي قانون جديد تلقى مي‌شود. ويژگي شخصيتي صغار و امكان بازپروري و باز اجتماعي شدن اطفال و نوجوانان در طول اجراء مجازات مستلزم توجه بيشتر مقنن به شناسايي شخصيت و وضعيت روحي و رواني متهم مي‌باشد و بر اين اساس لازم است قانونگذار در راستاي شناخت بهتر شخصيت محكومان، تشكيل پرونده شخصيت را به تمامي مراحل دادرسي كيفري به ويژه مرحله اجراء احكام تسري دهد.

۷. سهم نويسندگان

تمامي نويسندگان به صورت مساوي در تهيه اين پژوهش شركت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در اين پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

منابع

منابع فارسي

- آيتاي، ماني، «منافع عاليه كودك در نظام بين‌المللي حقوق بشر»، پايان نامه كارشناسي ارشد، به راهنمايي استاد باقر انصاري، تهران، دانشگاه علامه طباطبائي، ۱۳۹۲.
- بشيريه، تهمورث، و همكاران، نگاهی اجمالي به نظام عدالت كيفري اطفال و نوجوانان بزهكار در ايران (در دانشنامه عدالت كيفري كودكان و نوجوانان (ديدگاه‌ها- مدل‌ها و گرايش‌هاي بين‌المللي))، چاپ اول، تهران، انتشارات نگاه معاصر/ شولا، ۱۳۹۷.
- حاجي پور، علي، دادگاه‌هاي كيفري اختصاصي، چاپ اول، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌هاي حقوقي شهر دانش، ۱۳۹۳.
- خالقي، علي، آيين دادرسي كيفري، جلد دوم، چاپ سي‌ام، تهران، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۴.
- خالقي، علي، نكته‌ها در قانون آيين دادرسي كيفري، چاپ چهارم، تهران، نشر شهردانش، ۱۳۹۵.
- خواجه نوري، ياسمن، جهاني شدن حقوق كيفري اطفال بزهكار، چاپ اول، تهران، انتشارات بنياد حقوقي ميزان، ۱۳۹۶.

- دانش، تاج زمان، دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.
- ذبیحی، جواد، «پرونده شخصیت در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، پایان نامه کارشناسی ارشد، گلستان، دانشگاه علوم و تحقیقات استان گلستان، ۱۳۹۳.
- رادمهر، فرزانه؛ مسجدسرایبی، حمید؛ رضوانی، علی، «سیاست جنایی ایران در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان با نگاهی تطبیقی به حقوق انگلیس»، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره سی و سه، ۱۴۰۲.
- رستمی، هادی؛ موسوی، پوریا، «مصلح عالیه کودکان و نوجوانان بزهکار در حقوق کیفری ایران (با تأکید بر پاسخ های تعزیر مدار)»، مجله حقوقی دادگستری، شماره دوازده، ۱۳۹۹.
- زارعیان چناری، حسین؛ غلامزاده دهنوی، جواد (۱۳۹۶). «بررسی قاعده منع بازداشت غیرقانونی و خودسرانه در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، مجله مطالعات حقوق بشر اسلامی. ۱۳(۱۳): ۱۲۷ - ۱۴۸.
- شاملو، باقر؛ پاک نیت، مصطفی، «افتراقی شدن سیاست کیفری در پرتوی پارادایم اثباتی و چالش‌های پیش روی آن در برخورد با رویکردهای نوین»، مجله مطالعات حقوقی، شماره اول، ۱۳۹۴.
- کریمی، نورالله، مدل‌های دادرسی در زمینه اطفال بزهکار (دایره المعارف علوم جنایی)، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.
- معاونت حقوقی قوه قضاییه، گزیده اسناد بین‌المللی حقوق کودک، ترجمه وحید هدایتی و همکاران، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۴.
- مهرا، نسرین، «افتراقی سازی نهادها و کنشگران دادرسی ویژه کودکان»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره چهل، ۱۳۹۹.
- مؤذن زادگان، حسن‌علی، «دادرسی کیفری ویژه اطفال در حقوق ایران»، نشریه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، شماره سی و سه، ۱۳۸۳.
- مؤذن زادگان، حسن‌علی؛ مهابادی، علی اصغر، آیین دادرسی کیفری، چاپ دوم، تهران، نشر دور اندیشان، ۱۳۹۳.
- مؤذن‌زادگان، حسن‌علی، دادرسی کیفری ویژه کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۴۰۲.
- میرکمالی، علیرضا؛ حسینی، انیسه، «دادرسی افتراقی اطفال در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲»، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره دو، ۱۳۹۵.
- نوروزی، بهروز؛ مهرا، نسرین؛ صفاری، علی؛ مهدوی ثابت، محمدعلی، «اصل اقتضاء تعقیب در قلمرو جرائم اطفال و

منابع لاتين

- Convention on the Rights of the Child.1989
- International Covenant on Civil and Political Rights,1996.
- United Nations Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice ("The Beijing Rules") 1985.

نوجوانان در حقوق ايران و انگلستان»، فصلنامه تحقيقات حقوق خصوصي و كيفري (دانشنامه حقوق و سياست)، شماره سي و چهار، 1396.

- نياز پور، اميرحسين، حقوق كيفري كودكان و نوجوانان، چاپ اول، تهران، نشر ميزان، 1393.

- نياز پور، اميرحسين، «دادگاه‌هاي كيفري رسيدگي كننده به جرائم اطفال و نوجوانان»، نشریه فقه و حقوق اسلامي، شماره پانزده، 1396.



پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علومو انسانی